

پژوهش‌های تاریخی

سال چهاردهم

شماره چهارم (پیاپی ۵۶)، زمستان ۱۴۰۱، ص ۷۰-۵۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۵/۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۸

مقاله پژوهشی

دلایل ناکامی میلسپو در اصلاح امور مالی ایران (۱۳۲۳-۱۳۲۱ش)

محمد بختیاری*، استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

bakhtiari@hum.ikiu.ac.ir

چکیده

آرتور میلسپو دوبار به‌عنوان مستشار مالی به ایران آمد تا با انجام اصلاحاتی در ساختار مالی و اداری، مشکلات کلان اقتصادی کشور را رفع کند. او در مأموریت نخست (۱۳۰۶-۱۳۰۱ش) توانست موفقیتی نسبی کسب کند و تغییراتی در نظام مالی و مالیاتی انجام دهد؛ اما در مأموریت دوم (۱۳۲۳-۱۳۲۱ش)، موفقیت چندانی نداشت و در نهایت، ایران را با ناکامی ترک کرد. درباره دلایل موفق نشدن میلسپو دیدگاه‌های متعددی از سوی موافقان و مخالفان او مطرح شده است. پژوهش حاضر درصدد است با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی، دلایل ناکامی میلسپو در اصلاح امور مالی ایران را در مأموریت دوم او بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که چرا میلسپو برخلاف مأموریت اول خود، در مأموریت دوم چندان موفق نبوده است؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در دیدگاه هر دو گروه موافقان و مخالفان، رگه‌هایی از حقیقت وجود دارد و عوامل مختلفی همچون تکبر و خودرأیی میلسپو، نداشتن شناخت و آگاهی کامل او از ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، ترجیح منافع شخصی و آمریکا بر منافع ملت و دولت ایران، وجود فساد و بی‌نظمی در ساختار اداری و اقتصادی ایران، بی‌ثباتی و اختلاف در نظام سیاسی ایران، کارشکنی و مانع‌تراشی مخالفان، شرایط بحرانی ناشی از جنگ جهانی و تسلط شوروی بر استان‌های شمالی و ممانعت از انتقال محصولات به مناطق مرکزی، در ناکامی میلسپو تأثیر داشتند.

واژه‌های کلیدی: جنگ جهانی دوم، میلسپو، مستشار خارجی، امور مالی.

* نویسنده مسئول

This is an open access article under the CC-BY-NC-ND 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



doi [10.22108/jhr.2022.134507.2391](https://doi.org/10.22108/jhr.2022.134507.2391)

[20.120.1001.1.20086253.1401.14.4.5.7](https://doi.org/10.22108/jhr.2022.134507.2391)

مقدمه

اشغال ایران از سوی متفقین در جنگ جهانی دوم و استعفای اجباری رضاشاه، شرایط بسیار نابسامانی را به وجود آورد. گروه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و عشیره‌ای، که در زمان رضاشاه به شدت سرکوب شده بودند، فضا را برای ابراز وجود و احیای قدرت از دست رفته خود فراهم دیدند و سبب ایجاد نفاق و هرج و مرج در جامعه شدند. دلالتان و سوداگران از شرایط به وجود آمده سوءاستفاده کردند و با احتکار و قاچاق کالاهای موردنیاز مردم، سبب گرانی و تورم شدید در جامعه شدند. بسیاری از کارمندان دولت که به سبب افزایش شدید هزینه زندگی از تأمین معاش خود عاجز مانده بودند، شرایط نابسامان موجود و فقدان نظارت کافی را برای دریافت رشوه و انواع فساد فراهم دیدند. در چنین شرایطی، به یک دولت مقتدر و مجلسی متحد و قوی نیاز بود که بتواند کنترل اوضاع را به دست بگیرد و کشور را از این وضعیت آشفته نجات دهد؛ اما نه از دولت قوی، منسجم و باثبات خبری بود و نه از نمایندگان مستقل، آگاه و مدبر در مجلس سیزدهم. محمدرضا شاه هم اقتدار و نفوذ پدر را نداشت تا کنترل اوضاع را به دست بگیرد. متفقین نیز که خودشان با اشغال کشور، مسبب اصلی وضع موجود بودند، با خرید و انتقال بخشی از غلات ایران به شوروی و استفاده از راه‌های ارتباطی و وسایل حمل و نقل ایران، سبب بحرانی‌تر شدن اوضاع می‌شدند. آنها که زمانی حضور حکومت مقتدر و دست‌نشانده در ایران را برای حفظ منافع خود مناسب می‌دیدند و زمانی دیگر، اعزام مستشار را برای کنترل اوضاع ترجیح می‌دادند، در این زمان، گزینه دوم را انتخاب و به ایران توصیه کردند. دولت، مجلس و شاه ایران نیز که نه یارای مخالفت با خواسته‌های متفقین و نه توانایی حل مشکلات متعدد

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را داشتند، توصیه آنها را نصب‌العین خود قرار دادند و با استخدام میلسپو به عنوان رئیس کل دارایی، امید بهبود اوضاع را در دل پروراندند. میلسپو در طول دو سال حضور خود در ایران (۱۳۲۳-۱۳۲۱ ش)، اقداماتی را برای اصلاح امور مالی و اداری انجام داد، اما به اذعان موافقان و مخالفان، حتی به اعتراف تلویحی خودش، نتوانست اوضاع کشور را بهبود ببخشد و اصلاحات اقتصادی و مالی مدنظر را انجام دهد. درباره دلایل ناکامی میلسپو موارد متعددی از سوی خود او و طرفدارانش از یک طرف و مخالفان و منتقدانش از سوی دیگر مطرح شده است. پژوهش حاضر درصدد است با تکیه بر اسناد و مدارک موجود و با رویکردی تحلیلی، دلایل دو طرف را درباره ناکامی میلسپو بررسی و صحت‌سنجی کند و به این سؤال پاسخ دهد که دلایل اصلی ناکامی میلسپو در مأموریت دوم خود به ایران چه بوده است.

درباره دلایل ناکامی میلسپو قبلاً هیچ تحقیق جامع و علمی انجام نشده است، اما درباره عملکرد میلسپو در حوزه‌های مختلف، دلایل استخدام و استعفای او و رابطه‌اش با گروه‌های دیگر، تحقیقاتی انجام شده است که به مهم‌ترین آنها و تمایز و تفاوتشان با پژوهش حاضر اشاره می‌شود: کتاب *برگی از تاریخ معاصر ایران (مأموریت دوم آرتور میلسپو در ایران و پیامدهای آن)* نوشته غلامرضا رابطی قشلاقی (۱۳۹۸) از آخرین تحقیقاتی است که درباره میلسپو به نگارش در آمده است که در آن نویسنده بیشتر عملکرد میلسپو و پیامدهای آن را بررسی کرده و از اسناد متعدد موجود در مراکز اسنادی کشور چندان بهره‌ای نبرده است. فخرالدین عظیمی در کتاب *بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲*، به ناکامی میلسپو در مأموریت دومش صحنه گذاشته است، اما درباره

دلایل ناکامی او به بیان مسائل کلی بسنده کرده است. محسن خلیلی (۱۳۸۵) در مقاله «نگاهی انتقادی به ایران‌شناسی آرتور میلسپو» زمینه‌ها و دلایل استخدام میلسپو و مقایسه مخالفان او در مأموریت اول و دوم به ایران را بررسی کرده است. کریم سلیمانی دهکردی و جمیله عزیزخواه (۱۳۹۲) نیز در مقاله «مخالفت‌ها علیه میلسپو در ایران (۱۳۲۳-۱۳۲۱)ش / (۱۹۴۲-۱۹۴۴م)» موضوع مخالفان میلسپو و دلایل مخالفت آنها را در مأموریت دوم درخور توجه قرار داده‌اند. آنها در این مقاله از سه نفر یا گروه مخالف میلسپو، یعنی مصدق، روسیه و حزب توده و ابتهاج بحث کرده‌اند که هر کدام به دلایلی با میلسپو مخالفت می‌کردند. سلیمانی و عزیزخواه در مقالات دیگری با عنوان «اقدامات میلسپو برای حل بحران نان ۱۳۲۳-» (۱۳۲۱) و «اصلاحات میلسپو در ناوگان حمل و نقل ایران (۱۳۲۱-۱۳۲۳)» اقدامات و اصلاحات میلسپو را در حل بحران نان و ناوگان حمل و نقل ایران بررسی کرده‌اند و در آخر هر دو مقاله نتیجه گرفته‌اند که اصلاحات میلسپو به نتایج دلخواه و مورد انتظار منتهی نشد. اما آنها درباره دلایل ناکامی میلسپو چندان توضیحی ارائه نداده‌اند. پژوهش حاضر درصد است با تکیه بر اسناد و مدارک موجود، به دلایل ناکامی میلسپو تمرکز داشته باشد و مسائل مطرح شده از سوی موافقان و مخالفان او را بررسی کند و از این نظر، از تحقیقات پیشین متمایز است و نوآوری دارد.

۱- عملکرد میلسپو در مأموریت دوم به ایران

از زمان حکومت قاجارها در ایران، دیدگاهی در میان برخی از رجال سیاسی و روشنفکر جامعه مطرح بود که برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و انجام اصلاحات اساسی در ساختار نظامی، اداری و مالی ایران، متخصصان و مستشارانی از کشورهای

خارجی استخدام کنند. بر همین اساس از همان دوره فتحعلی‌شاه، مستشارانی از فرانسه، انگلیس و روسیه به استخدام ایران درآمدند. اما در دوره پادشاهان بعدی قاجار، برای رهایی از سلطه دو همسایه شمالی و جنوبی، یعنی روسیه و انگلیس، به استخدام مستشارانی از کشورهای دیگری همچون اتریش و آمریکا روی آوردند که نمونه بارز آن استخدام مورگان شوستر و میلسپو بود. با روی کار آمدن پهلوی‌ها، که بیشتر به آلمان گرایش داشتند، متخصصان و مستشاران زیادی از آلمان وارد ایران شدند و به حضور ۵ ساله میلسپو در مأموریت اولش به ایران پایان داده شد. اما با اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم و استعفای اجباری رضاشاه از قدرت، آلمانی‌ها از ایران اخراج شدند، در حالی که تفکر استخدام مستشار از خارج برای اصلاح امور همچنان در ذهن دولتمردان ایران باقی ماند و نظر به اینکه روسیه و انگلیس سابقه خوبی در ایران نداشتند و در عوض، شوستر و میلسپو عملکرد خوبی از خود نشان داده بودند، بار دیگر استخدام مستشار از آمریکا برای اصلاح امور مالی و اداری ایران در دستور کار قرار گرفت. انگلیس و روسیه هم که به سبب دشمن مشترکشان آلمان، با آمریکا در یک جبهه قرار گرفته بودند، در ابتدا از این موضوع استقبال کردند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۶۳-۱۶۵). بر همین اساس، آرتور میلسپو با تصویب مجلس شورای ملی سیزدهم در ۲۱ آبان ۱۳۲۱ به عنوان رئیس کل دارایی، برای دومین بار به استخدام ایران درآمد. جالب اینکه در هر دو مأموریت، ورود میلسپو به ایران در زمان نخست‌وزیری احمد قوام‌السلطنه انجام شد که تمایل و نزدیکی قوام به آمریکا در وقوع آن بی‌تأثیر نبود. در لایحه استخدامی میلسپو در مأموریت دوم، همه امور مالی کشور اعم از بودجه، مالیات، عوارض گمرکی،

عزل و نصب کارمندان حوزه مالی و غیره در اختیار او گذاشته شد تا با انجام اصلاحاتی در آنها، به وضعیت آشفته کشور پایان دهد (ساکما، ۱۲۶۱۵/۲۴۰: ۱۷-۱۵؛ مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۱۰۸). امیر تیمور یکی از نمایندگان مجلس در جریان مذاکرات لایحه استخدام میلسپو، درباره انتظار دولت و مجلس از او می‌گوید: «یک انتظار ما این است که از خرج‌های بیهوده که متناسب با استعداد کشور نیست بکاهند و صرف مخارج اساسی بنمایند. انتظار دیگر این است که از کاغذبازی ادارات جلوگیری کنند و جریان کارها را روی اصول صحیحی برقرار سازد. انتظار دیگر این است که از جوانان لایق و تحصیل‌کرده کشور که در همه‌جا مخصوصاً وزارت دارایی هستند، استفاده نمایند...» (اطلاعات، ش ۵۰۵۱، ۱۳۲۱/۸/۲۱: ۱).

بررسی اقدامات میلسپو نشان می‌دهد هیچ‌کدام از انتظارات آن نماینده و دیگر افراد جامعه محقق نشد. میلسپو با استخدام آمریکایی‌های زیادی که هرکدام از آنها را در رأس اداره یا مصدر مهمی می‌گماشت، نه تنها بسیاری از ایرانیان را از کار برکنار کرد، با تعیین حقوق‌های بالا برای هم‌وطنان خود، بر هزینه‌های کشور نیز افزود. میلسپو که خودش سالانه ۱۸ هزار ریال حقوق دریافت می‌کرد و هزینه مسکن و رفت و آمد خود و خانواده‌اش به داخل و خارج را نیز بر عهده دولت ایران گذاشته بود (ساکما، ۲۴۰/۸۲۸۷۵: ۴)، برای دیگر آمریکایی‌ها نیز چنین شرایطی را فراهم کرد، طوری که هرکدام از آنها حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار ریال حقوق سالانه دریافت می‌کردند (ساکما، ۲۴۰/۱۶۴۹۰: ۲). علاوه بر این، آنها به مترجمان و منشیانی برای پیشبرد امور خود نیاز داشتند که حقوق آنها نیز بر عهده دولت گذاشته شده بود (پژوهش گروهی جامی، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

انتظار دیگر امیر تیمور این بود که از کاغذبازی ادارات جلوگیری شود، در حالی که میلسپو با ایجاد ادارات و سازمان‌های مختلف و ترکیب و تفکیک آنها از یکدیگر و همچنین صدور آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های مختلف، شرایط پیچیده‌ای را به وجود آورد که باعث کندی امور اداری شد. او می‌خواست همه کارها تحت کنترل شخص خودش باشد و با امضای او اجرایی شود، اما به دلیل کهنلت سن و مشغله کاری فراوان، نمی‌توانست همه این امور را به موقع انجام دهد که نتیجه‌اش تأخیر در کارها بود (اطلاعات، ش ۵۵۱۱، ۱۳۲۳/۴/۱۷: ۱؛ ابتهاج، ۱۳۷۱: ۱۲۳/۱).

میلسپو که براساس قرارداد استخدامش، بسیاری از امور را تحت کنترل گرفته بود، اما کارچندانی از پیش نبرده بود، در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ اختیارات فوق‌العاده‌ای را از مجلس دریافت کرد تا بدون هیچ مانع و مخالفتی، شرایط بحرانی موجود را بهبود بخشد (ساکما، ۲۴۰/۲۵۹۲۰: ۹-۷؛ لنزوسکی، ۲۵۳۶: ۲۹۴-۲۹۳). اما یک سال بعد از اعطای اختیارات به میلسپو، جواد مسعودی از نمایندگان مجلس درباره امیدواری مجلس به اصلاح امور از طریق میلسپو و تحقق نیافتن آن انتظارات می‌نویسد: «البته آن روز که این اختیارات نامحدود را مجلس و دولت ایران به دکتر میلسپو داد، امیدوار بودند که آقای دکتر خواهند توانست به تدریج هزینه زندگی را تعدیل کند، مشکلات اقتصادی کشور را برطرف نماید و بالاخره امر توزیع و جیره‌بندی را مرتب کند. ولی متأسفانه آقای دکتر میلسپو با وجود حسن نیت و با وجود اینکه در تمام این مدت شب و روز کار کرده و زحمت کشیده‌اند، نه تنها موفق نشدند مشکلی از مشکلات اقتصادی کشور را برطرف نمایند، بلکه روز به روز بر مشکلات و دشواری‌ها افزوده شد و عمده مسائل که تعدیل هزینه زندگی بود، نه تنها صورت

۱۰ ماهه اول سال ۱۳۲۲ و مقایسه آن با بودجه سال قبل نشان می‌دهد میلسپو در سال اول حضورش در ایران نه تنها نتوانسته بودجه را تنظیم کند، در نتیجه اقدامات او، میزان کسری بودجه بیشتر از قبل نیز شده است. براساس این گزارش، کل درآمد وصولی کشور در ده ماهه اول سال ۱۳۲۱ معادل ۳,۹۵۹,۲۴۵ ریال و کل هزینه پرداختی ۴,۷۱۳,۰۴۷ ریال بوده است. یعنی میزان اضافه هزینه بر درآمد یا همان کسری بودجه، ۷۵۴,۰۴۷,۰۰۰ ریال (۱۹ درصد) بوده است. اما در ده ماهه اول سال ۱۳۲۲ کل درآمد وصولی ۵,۳۹۸,۶۶۸ ریال و کل هزینه پرداختی ۶,۶۴۱,۴۳۰ ریال و میزان کسری بودجه ۱,۲۴۲,۷۶۲ ریال (۲۳ درصد) بوده است (اطلاعات، ش ۵۴۷۴، ۱۳۲۳/۳/۳: ۴). در گزارش سالانه میلسپو نیز تقریباً همین مقدار کسری بودجه گزارش شده است. او جمع کسری بودجه سال ۱۳۲۱ را ۷۵۲,۶۰۵ ریال و جمع کسری بودجه سال ۱۳۲۲ را ۱,۳۷۲,۷۴۵ ریال نوشته است (ساکما، ۲۹۰/۱۱۶۰: ۳۰). یعنی در حالی که درآمدهای کشور در سال ۱۳۲۲ نسبت به سال قبل ۳۶ درصد بیشتر بوده است، اما هزینه‌های کشور ۴۱ درصد افزایش داشته است. این وضعیت در سال بعد نیز ادامه داشت؛ زیرا هیچ اصلاح اساسی که بتواند در تنظیم بودجه و کاهش کسری آن مؤثر باشد، اتفاق نیفتاده بود و قانون مالیات بر درآمد نیز به نحو مؤثری اجرا نمی‌شد و تأثیرگذار نبود (بولارد و اسکراین، ۱۳۶۳: ۹۳، کی استوان، ۱۳۲۷: ۸۷/۱).

میلسپو در کنترل و تثبیت قیمت‌ها نیز، که یکی از اهداف اصلی استخدامش بود، عملکرد موفق‌تری نداشت. در زمان ورود میلسپو به ایران در بهمن ۱۳۲۱ شاخص هزینه زندگی حدود ۶۰۰ گزارش شده است، اما یک سال بعد به عدد ۱۰۸۵ افزایش یافته است (اطلاعات، ش ۵۴۷۳، ۱۳۲۳/۳/۲: ۴). یعنی در طول یک سال اول فعالیت میلسپو در ایران هزینه‌

نگرفت، بلکه سیر صعودی خود را ادامه داد» (اطلاعات، ش ۵۴۸۰، ۱۳۲۳/۳/۱۰: ۱).

هرچند میلسپو با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن برشمردن موفقیت‌های خود در تجدید سازمان اداره امور مالی، توازن بودجه، تأدیه وام‌های دولت، برقراری یک سیستم ساده و عادلانه استخدام کشوری، رسیدگی به جمع‌آوری و توزیع مناسب خواربار، توزیع قند و شکر و چای و قماش در سراسر کشور، تثبیت قیمت‌ها و کمک به رفع انحصارهای دولتی، از عملکرد خودش دفاع کرد (اطلاعات، ش ۵۴۴۶، ۱۳۲۳/۳/۲: ۱؛ میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۸۳-۱۷۹)، اما بررسی آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد گفته‌های جواد مسعودی درباره عملکرد ناموفق میلسپو کاملاً صحیح است. در واقع او نه تنها نتوانست بودجه را تنظیم و کسری آن را رفع کند، با استخدام مستشاران خارجی، افزایش ۵۰ درصدی حقوق کارمندان دولت، دریافت وام‌های متعدد از بانک ملی و ایجاد انحصارات و جیره‌بندی‌های مختلف، که به اعطای یارانه دولتی نیاز داشت، باعث افزایش هزینه دولت، بیشتر شدن کسری بودجه و همچنین افزایش نقدینگی در جامعه نیز شد که نتیجه‌اش تورم و بالارفتن قیمت کالاها بود (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۵۵-۱۵۴).

میلسپو که برای اجرای اصلاحات مدنظر و برطرف کردن کسری بودجه به منابع مالی نیاز داشت، لایحه مالیات بر درآمد را ارائه داد تا شاید از این طریق بتواند کمبودها را جبران کند. اما اختلاف نظر درباره این لایحه در مجلس چنان بالا گرفت که تصویب آن چندماه به طول انجامید و در نهایت با تهدید میلسپو به استعفا، در ۱۹ آبان ۱۳۲۲ به تصویب رسید، اما تأثیر مورد انتظار را در توازن بودجه نداشت (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۲۱۶).

گزارش بانک ملی از میزان درآمدها و هزینه‌های

بنابراین می‌توان گفت میلسپو در مأموریت دوم خود به ایران، در هیچ‌کدام از زمینه‌ها عملکرد موفقی نداشته و اصلاحات مورد انتظار را در جهت بهبود شرایط اقتصادی و مالی کشور انجام نداده است (مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد، ۱۳۸۲: ۴۲). این موضوع نه تنها از سوی مخالفان او، از طرف بسیاری از طرفداران او نیز تأیید شده است، اما درباره دلایل این ناکامی، اختلاف نظر دارند که در ادامه بررسی می‌شود.

۲- صحت‌سنجی دیدگاه میلسپو و طرفدارانش درباره دلایل ناکامی او

میلسپو و طرفدارانش اعم از انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها، بعضی از نمایندگان مجلس و تعدادی از اعضای دولت و مطبوعات، در نوشته‌ها و گفته‌های خود، ضمن تعریف و تمجید از سیاست‌ها و اقدامات میلسپو در مأموریت دومش به ایران، برخی از نقایص و ناکامی‌ها را به مانع‌تراشی و کارشکنی مخالفان و شرایط نامساعد جامعه در دوره جنگ نسبت داده‌اند که در ادامه مهم‌ترین این دلایل بیان و صحت‌وسقم آنها بررسی می‌شود.

۲-۱. دخالت و کارشکنی مخالفان

میلسپو در گزارش‌ها، نامه‌ها و کتاب خود با عنوان *آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم)*، ضمن دفاع از عملکرد خود، یکی از دلایل موفق‌نشدنش را در برخی زمینه‌ها، دخالت و کارشکنی مخالفان اعلام کرده است: «ظاهراً قادر نبودند مشاهده کنند که هیئت به‌علت کارشکنی، عدم همکاری و انتقاد غیرمنصفانه و مخرب خود ایرانیان و نیز مشکلاتی که شوروی‌ها در شمال ایجاد می‌کنند با چه دشواری‌هایی از لحاظ اداری روبه‌رو است» (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۹۱-۱۹۰). طرفداران میلسپو نیز

زندگی حدود ۸۰ درصد بالا رفته است. این در حالی است که قیمت محصولات کشاورزی به دلیل افزایش بارندگی و فراوانی محصول، سال ۱۳۲۲ کاهش یافته و سبب تعدیل میانگین قیمت‌ها شده بود، والا اگر نرخ اجناس غیر زراعی را جداگانه در نظر بگیریم، میزان تورم بسیار بالا بوده است. این وضعیت در سال بعد نیز ادامه یافت و قیمت کالاها تا اواسط سال ۱۳۲۳ در حال افزایش بود و تنها از آن زمان به بعد، در نتیجه روشن شدن نتیجه جنگ جهانی در بسیاری از جبهه‌ها و امید به اتمام قریب‌الوقوع آن، از بهای اجناس کاسته شد (اطلاعات، ش ۵۵۸۵، ۱۳۲۳/۷/۱۷: ۱). بنابراین می‌توان گفت میلسپو در کنترل و تثبیت قیمت‌ها نیز موفقیتی نداشته است. البته این به معنای مقصر جلوه دادن میلسپو در افزایش قیمت‌ها نیست، منظور این است که در زمان حضور او نیز همچون دوره قبل از آن، تورم به شدت در حال افزایش بود و میلسپو در کنترل و تثبیت قیمت‌ها توانست موفق عمل کند.

درباره جیره‌بندی و توزیع کوپنی کالاها نیز، که یکی از وظایف اصلی میلسپو بود، بسیاری از نقایص گذشته همچنان ادامه یافت و در شهرها و روستاهای زیادی کالاهای جیره‌بندی شده اعم از چای، قند، شکر و قماش به دست مردم نرسید یا کالای بی‌کیفیت و گران‌قیمت به مردم دادند (ساکما، ۲۶۰/۲۱۷: ۵؛ ساکما، ۳۱۰/۱۴۹۰: ۱). وزیر بازرگانی و پیشه و هنر در برابر سؤال نمایندگان مجلس، ضمن تصدیق این نقایص، می‌گوید: «بنده خودم هم تصدیق می‌کنم، دولت هم تصدیق می‌کند که توزیع اجناس جیره‌بندی کمال نقص را واقعاً در بر دارد. می‌فرمایید در بعضی نقاط قند و پارچه داده نشده است، بنده تصدیق می‌کنم و همان‌طور است که می‌فرمایید، رئیس کل دارائی و وزیر دارائی هم اذعان دارند که این نقص موجود است» (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۲۱۸).

همچون خود او، کارشکنی و مانع‌تراشی مخالفان را یکی از دلایل ناکامی او در برخی زمینه‌ها عنوان می‌کنند که «از هر راهی شده و به هر عنوانی میسر باشد، مافوق قدرت و کوشش خود را در راه تحقیر و از بین بردن میلسپو و میسیون آمریکایی می‌نمایند» (اطلاعات، ش ۵۴۹۸، ۱۳۲۳/۳/۳۱: ۱).

درباره صحت ادعای میلسپو و طرفداران او در خصوص کارشکنی مخالفان و تأثیر آن بر موفق‌نشدن هیئت، باید اذعان کرد که بدون شک، اصلاحات مدنظر او منافع عده‌ای از سوءاستفاده‌کنندگان را از وضع موجود به خطر می‌انداخت و مخالفت و کارشکنی آنها را برمی‌انگیخت. اما حقیقت این است که در ابتدا میلسپو و حامیان داخلی و خارجی‌اش چنان قدرتمند و مخالفانش چنان ضعیف بودند که تقریباً در سه چهارم از زمان حضور دو ساله میلسپو در ایران، این مخالفت‌ها آن‌چنان علنی و مؤثر نبودند و اگر میلسپو می‌خواست کاری انجام دهد، در همان مدت می‌توانست چنان عملکرد موفقی از خود بر جای بگذارد که زمینه هر نوع انتقاد و مخالفت بعدی را از بین ببرد، اما چنین نکرد. در آن زمان ایران در اشغال و تسلط کامل متفقین بود و دولت و نمایندگان مجلس سیزدهم نیز عمدتاً طرفدار یکی از سه کشور شوروی، انگلیس و آمریکا بودند. دو کشور اخیر و حامیان داخلی آنها که از اول تا آخر مدافع سرسخت میلسپو و هیئت آمریکایی ماندند. شوروی‌ها و طرفداران آنها از جمله حزب توده نیز در ابتدا حامی میلسپو بودند و تا مدت‌ها هیچ نوع مخالفتی با او ابراز نمی‌کردند (رهبر، ش ۲۶۴، ۱۳۲۳/۱/۲۹: ۱؛ ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۷۱). بنابراین، میلسپو در بخش زیادی از دوره حضورش در ایران، با مخالفت جدی روبه‌رو نبود. شوروی و طرفداران داخلی آن کشور بعداً با او مخالفت کردند. علاوه بر آنها، عده‌ای از نمایندگان

ملی‌گرای مجلس همچون مصدق نیز از عملکرد میلسپو انتقاد کردند. در کنار آنها، تعدادی از نمایندگان، دولتمردان، بازرگانان، سوداگران و غیره نیز به سبب منافع شخصی، حزبی یا ملی، انتقاداتی را علیه میلسپو مطرح کردند. هرچند با گذر زمان بر حدت و شدت این مخالفت‌ها افزوده شد تا جایی که به لغو اختیارات میلسپو و پایان مأموریت او در ایران منتهی شد، اما باید توجه داشت که این مخالفت‌ها بیشتر به سال ۱۳۲۳ و ماه‌های پایانی حضور میلسپو در ایران مربوط می‌شود (پژوهش گروهی جامی، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

۲-۲. ساختار اداری و مالی فسادآمیز ایران

میلسپو در خاطرات خود درباره ساختار اداری و مالی فسادآمیز ایران به عنوان یکی از دلایل ناکامی‌اش می‌نویسد: «در حکومت ایران ۱۹۴۳، نادرستی تقریباً عمومی و عملاً یک موضوع عادی و جاری شده بود. بازرگانان، مالکین و همه کسانی که با دولت سر و کار داشتند، از این بیماری رنج می‌بردند ولی ناچار به پذیرفتن آن شده بودند تا خودشان را با آن تطبیق بدهند و بنابراین آن را تشویق می‌کردند. کارمندان دولت برای انجام هر کاری که به یک نفر سود می‌رساند، رشوه می‌گرفتند و هرگاه که به آنان رشوه داده نمی‌شد به راحتی پرونده مربوطه را ناپدید می‌کردند؛ کالاها و پول دولت را می‌دزدیدند؛ در جمع‌آوری غلات با مالکین بند و بست می‌کردند؛ از مالیات بر درآمد همچون چماق راهزنان استفاده می‌کردند؛ کالاهای انحصاری را در بازار سیاه می‌فروختند و لاستیک و سایر وسایل اتومبیل‌های دولتی را برمی‌داشتند. در محافل عالی وزیران از امتیازاتی که به آنان داده شده بود، سوءاستفاده می‌کردند و کالاها را یا به نفع جیبشان می‌فروختند یا خودشان توزیع می‌کردند» (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۱۷). طرفداران میلسپو نیز همانند خود او از فساد حاکم

بر ساختار اداری و مالی ایران می‌نالیدند و آن را از دلایل موفق نشدن میلسپو معرفی می‌کردند (ساکما، ۲۴۰/۸۸۵۴۰: ۳؛ ایران در بحران، ۱۳۷۹: ۱۹۰-۱۹۷؛ اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۷۹). در یکی از این اظهارنظرها، بعد از شرح وضعیت فسادآمیز موجود و انتقاد از عدم تعقیب و مجازات اشخاص متقلب، مختلس، محتکر، رشوه‌خوار، گران‌فروش، خائن و متخلف آمده است: «با این اوضاع شما می‌خواهید دکتر میلسپو موفق به اصلاحات شود؟!» (اطلاعات، ش ۵۴۷۸، ۱۳۲۳/۳/۸: ۱).

درباره تأثیر فساد حاکم در ساختار اداری و مالی ایران بر عملکرد ناموفق میلسپو، باید گفت که نه تنها در زمان او، در ادوار پیش از آن نیز یکی از دلایل شکست اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران، ساختار اداری و مالی معیوب و فسادآمیز آن بوده است. این وضعیت در زمان حضور میلسپو در ایران، که کشور به اشغال بیگانگان درآمده و حکومت مرکزی اقتدار خود را برای کنترل بر جامعه از دست داده و فقر و گرانی و ناامنی به اوج خود رسیده بود، بیشتر خودش را نشان می‌داد (ساکما، ۲۹۰/۱۱۶۰: ۲۱-۲۰). چنان‌که خود میلسپو در کتابش، به تأثیر جنگ و پیامدهای آن بر افزایش فساد اشاره می‌کند (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۱۸). بنابراین می‌توان گفت که ساختار اداری فسادآمیز ایران، که در نتیجه اشغال کشور بر میزان آن افزوده شده بود، در عملکرد ناموفق میلسپو تأثیر داشت.

۲-۳. اهمال دولت و مجلس در تصویب لوایح

مدنظر میلسپو

میلسپو لوایحی همچون اعطای اختیارات فوق‌العاده، مالیات بر درآمد، بودجه، استخدام شصت نفر مستشار آمریکایی و دریافت وام و اعتبار از بانک ملی را از طریق وزارت دارایی به مجلس فرستاد

تا با تصویب آنها، زمینه و امکانات لازم برای اجرای برنامه‌هایش فراهم شود. اما او اهمال مجلس را در تصویب این لوایح، یکی از دلایل موفق نشدن خود عنوان کرده است (ساکما، ۲۹۰/۱۱۶۰: ۳۱-۳۰؛ اطلاعات، ش ۵۳۱۷، ۱۳۲۲/۸/۱۸: ۱). درباره صحت ادعای میلسپو باید اذعان کرد که بخشی از گفته‌های او درباره تأخیر در تصویب بعضی از لوایح مثل مالیات بر درآمد و بودجه صحیح است، اما نه تنها ادعاهایش درباره تأخیر در تصویب دیگر لوایح صحیح نیست، درباره آثار منفی آن بر عملکرد میلسپو نیز ادعاهای نادرستی مطرح شده است. لایحه اختیارات میلسپو، که تسلط او بر همه امور اقتصادی کشور را تضمین می‌کرد و دست او را برای اجرای هر نوع سیاستی باز می‌گذاشت، در مدت زمان اندکی به تصویب مجلس سیزدهم رسید. اغلب درخواست‌ها و لوایح او درباره دریافت اعتبار و وام از بانک ملی نیز به سرعت از تصویب مجلس گذشت و تنها در یک مورد با مخالفت مدیرعامل بانک ملی، ابوالحسن ابتهاج، روبه‌رو شد که در آنجا نیز به دلیل اتمام اعتبار دولت برای دریافت وام، با درخواست او مخالفت شد (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۱۱۹/۱). در رابطه با استخدام شصت نفر آمریکایی نیز، هرچند مذاکراتی در بین نمایندگان صورت گرفت، اما مجلس چندان مخالفت جدی از خود نشان نداد و بعد از تهدید میلسپو و هیئت آمریکایی به استعفا، لایحه در اول آبان ۱۳۲۲ به تصویب مجلس رسید (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۲۰۹؛ اطلاعات، ش ۵۳۰۳، ۱۳۲۲/۸/۱: ۱). درباره دیگر لوایح کم‌اهمیت‌تر نیز وضعیت به همین منوال بود و بدون مشکل خاصی در سریع‌ترین زمان ممکن تصویب شد. اما در این میان، تصویب دو لایحه از لوایح مدنظر میلسپو، یعنی بودجه سالانه و مالیات بر درآمد، با تأخیر بیشتری

انجام شد که یکی به نفع او و دیگری به ضررش تمام شد. لایحه بودجه سال ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ با تأخیر زیادی به تصویب مجلس رسیدند، طوری که بخش زیادی از سال، با بودجه یک دوازدهم اداره شد. این موضوع شاید از یک طرف اشکالاتی را برای برنامه ریزی اقتصادی و مالی میلسپو ایجاد می کرد، اما از طرف دیگر به نفع او تمام شد. میلسپو در این باره می نویسد: «هنگامی که من در ۲۸ فوریه ۱۹۴۵ یعنی سه هفته قبل از پایان سال مالی، ایران را ترک کردم، مجلس هنوز بودجه سال جاری را تصویب نکرده بود و دولت براساس یک دوازدهم اعتبارات سال قبل امور جاری را می گذراند. این وضع گرچه دشوار بود، ولی بعضی امتیازات داشت؛ زیرا مانع هزینه های بیشتری می شد که وزارتخانه ها پیش بینی کرده بودند» (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۸۲). اما درباره لایحه مالیات بر درآمد، قضیه تا حدودی متفاوت بود. تأخیر چندماهه در تصویب این لایحه می توانست اشکالاتی را در اجرای سیاست ها و برنامه های میلسپو به وجود آورد؛ زیرا میلسپو با تصویب این لایحه می خواست بخشی از نیازهای مالی را برطرف و بودجه کشور را متعادل کند (ساکما، ۲۹۰/۱۱۶۰: ۳۱-۳۰). البته ادعای او مبنی بر اینکه بدون تصویب این قانون نمی توان کار کرد و باید استعفا داد و ایران را ترک کرد، پذیرفتنی نیست و در واقع این ادعا، نوعی تهدید و فشار بر مجلس برای تصویب لوایح بود، والا بعد از تصویب این لایحه نیز تغییر چندانی در عملکرد میلسپو دیده نشد و اجرای قانون مالیات بر درآمد و عواید حاصل از آن طبق انتظار پیش نرفت و تأثیر چندانی در بهبود شرایط نداشت (پژوهشگران گروه جامی، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

۲-۴. کارشکنی روس ها و ممانعت آنها از انتقال

غلات شمال کشور به نقاط مرکزی

میلسپو و طرفداران او دخالت و کارشکنی

روس ها را یکی از دلایل موفق نشدن هیئت آمریکایی دانسته اند. مخالفت شوروی با هیئت، که در اواخر دوره حضور او بیشتر نمایان شد، به دو شکل کلی انجام می گرفت: ۱- حملات حزب توده، روزنامه ها و نمایندگان مجلس طرفدار شوروی و ۲- دخالت های اداری و کارشکنی (میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۴۸). فارغ از اینکه دلایل حمایت اولیه و مخالفت بعدی روس ها با میلسپو و هیئت آمریکایی چه بود، دخالت و کارشکنی آنها یکی از عوامل اصلی ناکامی میلسپو و رفتن او از ایران بود. روس ها که در کنار انگلیسی ها با نادیده گرفتن بی طرفی رسمی ایران وارد کشور شده و مسبب اصلی وضعیت بحرانی موجود بودند، حالا نیز با ممانعت از مسافرت اعضای هیئت به استان های شمالی کشور و جلوگیری از انتقال غلات این استان ها به مناطق مرکزی، ضربه بزرگی بر عملکرد هیئت و اقتصاد ایران وارد کردند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲۷۲/۳-۲۶۸؛ فرخ، بی تا: ۵۳۳؛ لنزوسکی، ۲۵۳۶: ۲۹۵). در آن زمان مناطق غله خیز آذربایجان، خراسان و سواحل دریای خزر که بخشی از گندم، کلیه چای داخلی، قسمت اعظم برنج، بیشتر جنگل ها و بخش مهمی از پنبه را تولید می کرد و می توانست در آن شرایط قحطی و کمیابی، بخشی از نیازهای دیگر مناطق را رفع کند، تحت کنترل روس ها بود و آنها محصول این مناطق را خودشان مصرف می کردند یا به شوروی انتقال می دادند و از این طریق، میلسپو و دولت ایران را در تهیه و توزیع کالاهای مورد نیاز مردم با مشکل مواجه می کردند (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، ۱۳۸۱: ۱۷۱-۱۷۲؛ ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۴۸۹).

۲-۵. فقدان وسایل و امکانات کافی در شرایط

جنگی و اشغال کشور

میلسپو و حامیانش، یکی دیگر از دلایل ناکامی

کشور در آن شرایط بحرانی نداشت. دولت و مجلس نیز به جای وحدت و همکاری، مخالفت و کارشکنی می‌کردند، طوری که دولت برآمده از هر حزب و جناحی، به دلیل مخالفت و کارشکنی گروه‌های رقیب، در کمتر از چندماه ساقط می‌شد و این قاعده دوباره تکرار می‌شد. گروه‌های مختلف سیاسی، قومی و قبیله‌ای نیز از ضعف حکومت مرکزی و شرایط بحرانی موجود برای کسب قدرت و موقعیت برتر استفاده می‌کردند. در چنین شرایطی دلالت، محترمان، قاجاقچیان و دیگر سودجویان جامعه نیز وضعیت را برای سوءاستفاده فراهم می‌دیدند و از هیچ نوع تخلف و تقلب ابایی نداشتند. حضور نیروهای متفقین در ایران و استفاده آنها از خواربار و وسایل حمل و نقل کشور برای انتقال تدارکات و تجهیزات لازم به شوروی نیز مزید بر علت شده بود. در نتیجه این عوامل، کمبود و گرانی و فساد و ناامنی شدیدی بر جامعه حاکم شده و امکان هر نوع اصلاحی را برای میلسپو مشکل کرده بود.

۳- صحت‌سنجی دیدگاه مخالفان و منتقدان میلسپو درباره دلایل ناکامی او

مخالفان و منتقدان میلسپو شامل افراد و گروه‌های مختلفی اعم از کمونیست‌ها، ناسیونالیست‌ها، عده‌ای از روشنفکران، روزنامه‌نگاران، اقتصاددانان، کارمندان، بازرگانان، عمده‌مالکان و غیره بودند که به سبب منافع شخصی، حزبی یا ملی، با میلسپو و هیئت آمریکایی مخالفت و از استخدام مستشار خارجی و اعطای اختیارات فوق‌العاده به او تا عملکرد هیئت در امور مختلف انتقاد می‌کردند که در ادامه به تفصیل درباره آن سخن گفته خواهد شد و صحت هر کدام از ادعاهای مخالفان و منتقدان، با توجه به اسناد و مدارک موجود، به محک آزمون گذاشته خواهد شد.

هیئت آمریکایی را وجود شرایط جنگی و حضور متفقین در ایران دانسته‌اند که سبب بروز مشکلات و کمبودها در حوزه‌های مختلف شد و اقدامات میلسپو را تحت تأثیر قرار داد (ساکما، ۲۴۰/۲۵۹۲۰: ۴؛ ساکما، ۲۹۰/۱۱۶۰: ۲۲). در یکی از این اظهارنظرها آمده است: «افزایش قیمت‌ها به هیچ وجه ربطی به برنامه‌های اقتصادی میلسپو نداشت و این حضور نیروهای متفقین در ایران بود که سبب افزایش قیمت‌ها می‌گردید و روشن بود که قیمت‌ها کاهش نخواهد یافت مگر آنکه نیروهای متفقین ایران را تخلیه نمایند و جنگ پایان گیرد» (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۷۱). درباره اینکه شرایط جنگی حاکم بر کشور و مشکلات و کمبودهای ناشی از آن، دلیل اصلی وضعیت موجود بود و هر نوع اقدام اصلاحی را با مشکل مواجه می‌کرد، هیچ شکی نیست و اتفاقاً بسیاری از مخالفان میلسپو نیز بر این موضوع صحه گذاشته‌اند (اطلاعات، ش ۵۴۹۰، ۳/۲۲: ۱۳۲۳: ۱). اما باید توجه داشت که میلسپو تقریباً یک‌سال و نیم بعد از اشغال ایران، به استخدام این کشور درآمده بود و از مشکلات زمان جنگ و کار در چنان شرایط سختی کاملاً آگاهی داشت و با پذیرش و وعده اقدام اصلاحی در آن شرایط سخت، وارد ایران شده بود. چنان‌که خودش می‌نویسد: «چنانچه اشکالات یا احتمال مخالفت وجود نداشت هرگز این کشور به وجود ما احتیاج پیدا نمی‌کرد و ما را دعوت نمی‌نمود» (ساکما، ۲۹۰/۱۱۶۰: ۲۰). با این حال نمی‌توان شرایط متفاوت کشور را در دو دوره حضور میلسپو در ایران در موفقیت یا عدم موفقیت او نادیده گرفت. میلسپو در مأموریت دومش به ایران با یک کشور اشغال‌شده روبه‌رو بود که پادشاه آن مجبور به استعفا و اخراج از کشور شده و جای خود را به فرزند جوانش داده بود که قدرت لازم را برای اداره

۳-۱. شایستگی نداشتن میلسپو برای ریاست کل

دارایی

نشستن بر کرسی ریاست کل دارایی ایران، شایستگی اخلاقی، علمی و اجرایی می‌خواست تا بتواند در آن شرایط بحرانی ناشی از اشغال کشور، ساختار معیوب اداری و مالی را اصلاح کند و وضعیت نابسامان اقتصادی را بهبود ببخشد. فقدان چنین شایستگی‌ای، شخص مسئول را با عملکرد ناموفق مواجه می‌کرد. ناصرقلی اردلان، از نمایندگان مجلس، به نداشتن شایستگی هیئت آمریکایی و نداشتن سابقه درخشان آنها در کشور خودشان اشاره می‌کند و استخدامشان را ناصحیح می‌داند (اطلاعات، ش ۵۶۴۷، ۱۰/۲/۱۳۲۳: ۱). ابوالحسن ابتهج، مدیرعامل وقت بانک ملی نیز که در اواخر مأموریت میلسپو به یکی از مخالفان و منتقدان اصلی او تبدیل شده بود، در خاطرات خود درباره دلایل موفق نشدن میلسپو می‌نویسد: «من معتقد هستم که عدم شایستگی میلسپو از این جهت بود که او هیچ‌وقت در گذشته مسئولیت اداری و اجرایی نداشت. به عبارت دیگر او اقتصاددانی بود که در یکی از مؤسسات تحقیقاتی آمریکا کار می‌کرد و بنابراین محول کردن امور اداره مالی و اقتصادی مملکتی مانند ایران، با تمام مشکلاتی که در بر داشت، به شخصی مثل میلسپو به هیچ وجه صحیح نبود و چنین فردی هیچ‌وقت نمی‌توانست در این راه توفیق حاصل کند و اگر میلسپو موفق شد در مأمورت اولش به ایران مالیات جمع‌آوری کند، به خاطر رضاشاه بود» (ابتهج، ۱۳۷۱: ۱۱۶/۱). ابتهج در ادامه خاطراتش، به نقل از الهیار صالح، وزیر دارایی وقت، به بیماری روانی میلسپو و بستری شش‌ماهه‌اش در بیمارستان امراض روانی قبل از استخدام در ایران نیز اشاره می‌کند (همان). دیگر منتقدان میلسپو نیز به کهولت سن، ضعف بنیه و

استقامت مزاجی، خودرأیی و مشورت‌نکردن در کارها، خبط دولت و مجلس در اعطای اختیارات فوق‌العاده و مسئولیت‌های زیاد به او و شایستگی نداشتن میلسپو برای رسیدگی به همه این امور گسترده اشاره کرده و آنها را از دلایل موفق نشدن میلسپو برشمرده‌اند (اطلاعات، ش ۵۴۷۵، ۳/۴/۱۳۲۳: ۱). بررسی مفاد قرارداد استخدام میلسپو که در آن مجلس انتظار داشت او درباره تعدیل بودجه، تأمین خواربار عمومی، تثبیت قیمت‌ها، حل مسئله حمل‌ونقل، استفاده از قانون وام و اجاره، تهیه مواد حیاتی لازم از خارج و ایجاد کار و تولید ثروت، اقدام فوری انجام دهد (ساکما، ۱۲۶۱۵/۲۴۰: ۱۷-۱۵) و همچنین، مسئولیت‌های زیادی که براساس قانون اعطای اختیارات ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ درباره واردات و صادرات اجناس غیرخورباری و کلیه مواد خام و مصنوعات، انبارکردن، حمل‌ونقل و توزیع آنها، صدور پروانه تولید و فروش، انتشار کوپن، تثبیت بهای اجناس و توزیع عادلانه آنها، ضبط اجناس در برابر قیمت عادلانه و تعیین مال‌الاجاره و دستمزد کلیه کارها و خدمات به او داده شد (ساکما، ۱۷۱۷۳/۲۴۰: ۶؛ مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۱۵۳) و بعد از انحلال وزارت خواربار، امور مربوط به آن وزارتخانه نیز به آن اضافه شد، نشان می‌دهد نه تنها میلسپو، هیچ شخص دیگری نیز نمی‌توانست شرایط و شایستگی لازم را برای رسیدگی به همه این امور داشته باشد. بنابراین، هم دولت و مجلس در دادن چنین اختیارات و وظایف گسترده‌ای به میلسپو دچار خبط و خطا شده بودند و هم میلسپو که بدون داشتن شرایط و شایستگی لازم، چنین مسئولیت سنگینی را بر عهده گرفته بود. به‌ویژه اینکه او می‌خواست همه این امور گسترده را با رأی و نظر خود و بدون مشورت با دیگران انجام دهد (هدایت، ۱۳۴۶: ۴۳۰).

بنابراین می‌توان گفت میلسپو شایستگی اخلاقی، علمی و اجرایی لازم را برای منصب بزرگی همچون ریاست کل دارایی ایران و اصلاح امور مالی و اداری در آن شرایط بحرانی نداشت و همین عامل یکی از دلایل موفق نشدن او بود و اگر میلسپو در مأموریت اول توانست در مسئولیت مشابهی، اقدامات مفیدتری انجام دهد و موفق‌تر عمل کند، اول اینکه شرایط زمانه از لحاظ صلح و جنگ متفاوت بود؛ دوم اینکه در مأموریت اول، رضاشاه با تکیه بر قدرت و زور می‌توانست سیاست‌های مالی و مالیاتی میلسپو را اجرایی کند، اما در مأموریت دوم چنین زمینه‌ای فراهم نبود.

۲-۳. فقدان تجربه و شناخت کامل میلسپو از

ساختار اقتصادی و اداری ایران

منتقدان میلسپو یکی از دلایل موفق نشدن او در بهبود اوضاع اقتصادی ایران را فقدان تجربه و شناخت کامل او از ساختار اقتصادی و اداری این کشور دانسته‌اند (اطلاعات، ش ۵۴۷۵، ۱۳۲۳/۳/۴: ۱). درباره صحت این ادعا باید گفت که یکی از دلایل استخدام دوباره میلسپو در ایران، تجربه و شناختی بود که او در طی حضور ۵ ساله خود در مأموریت اولش با عنوان رئیس مالیه ایران به دست آورده بود. اما حقیقت این است که وجود چنان سابقه‌ای برای ریاست بر کل دارایی ایران، با آن وظایف و مسئولیت‌های گسترده و در آن شرایط نابسامان اقتصادی ناشی از جنگ بین‌المللی و حکومت متزلزل و متفرق داخلی، کافی نبود. توفیق در چنان مسئولیت سنگینی علاوه بر شایستگی‌های علمی و مدیریتی، تجربه و شناخت بسیار زیادی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران می‌خواست که میلسپو و هیئت آمریکایی فاقد آن بود. بسیاری از همراهان میلسپو که به ریاست یک اداره و سازمان مهم اقتصادی گماشته شده بودند، برای

اولین بار بود که به ایران می‌آمدند و فاقد هر نوع آگاهی و تجربه درباره شرایط موجود بودند (لنزوسکی، ۲۵۳۶: ۲۹۵-۲۹۴). همین فقدان شناخت و آگاهی کامل، خود را در مکتوبات و خاطرات میلسپو نیز به وضوح نشان می‌دهد. توصیفی که او از ساختار و ویژگی‌های دولت و ملت ایران در خاطرات مأموریت اولش ارائه می‌دهد، با نوشته‌های او در خاطرات مأموریت دومش کاملاً متفاوت است و این نشان می‌دهد شناخت و تجارب او در سفر اول، برای موفقیتش در سفر دوم کافی نبوده است. بی‌تجربگی و ناآگاهی همراهان آمریکایی میلسپو نیز که مناصب اصلی را بر عهده داشتند، مزید بر علت بود و سبب ناکامی هیئت در اصلاح امور مالی و اداری ایران شد.

۳-۳. اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات نامناسب و

متضاد

یکی از دلایل ناکامی میلسپو در مأموریت دومش به ایران، اتخاذ تصمیمات ناپخته و متضاد بود که از سوی بیشتر منتقدان و مخالفان، مورد حمله و انتقاد قرار گرفته است. در یکی از این اظهارنظرها آمده است: «صدور آیین‌نامه‌های مکرر و متضاد و صدور یکی به جای دیگری و چسباندن سه رشته از امور به یک اداره و انتزاع آنها بعد از چند روز و وصل کردن به اداره دیگر و تغییر و تبدیل همکاران آمریکایی خود از یک شعبه دیگر و فسخ عقیده‌های متوالی، همه قرینه اشتباهات پیاپی است» (اطلاعات، ش ۵۵۱۱، ۱۳۲۳/۴/۱۷: ۱). درباره صحت این ادعاها و تأثیر سیاست‌های اشتباه میلسپو بر عملکرد ناموفق او می‌توان گفت که این عامل یکی از دلایل اصلی موفق نشدن او بود. میلسپو در طول دو سال حضور خود در ایران، ادارات مختلفی را ایجاد و ترکیب کرد و بعد از مدتی همان اداره‌ها را تجزیه یا منحل کرد. اداره تثبیت قیمت‌ها، اداره غله و نان، اداره سیلو، اداره حمل و نقل،

تهران را توسط خانوارها آزاد اعلام کند، در حالی که در سال قبل نیز می‌توانست همین تصمیم را اتخاذ کند و جلوی بسیاری از کمبودها و مشکلات را بگیرد.

خطای دیگر میلسپو استفاده نکردن صحیح و به موقع از سهمیه ایران در کمیته خاورمیانه بود. براساس قانون وام و اجاره دولت آمریکا، هر سال مقداری جنس مانند قند، شکر، چای، قماش و دارو به عنوان سهمیه به دولت‌های دوست و متحد داده می‌شد. چنانچه هریک از کشورها سهمیه خود را به موقع دریافت نمی‌کرد، از آن محروم می‌شد. میلسپو در سال ۱۹۴۳/۱۳۲۲ ش ۴۰ هزار تن و در شش ماهه اول ۱۹۴۴/۱۳۲۳ - ۱۳۲۲ ش ۱۳ هزار تن از سهمیه متعلق به ایران را دریافت نکرد (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۱۷). از طرف دیگر، در توزیع دیگر کالاهای موجود در انبارهای ایران نیز ناموفق عمل کرد، طوری که چند میلیون متر پارچه در انبارها پوسید و اداره تقسیم اجناس خاورمیانه با شنیدن خبر پوسیده شدن پارچه‌ها در انبارهای ایران، سهمیه قماش ایران را در سال ۱۹۴۴ حذف کرد (رهبر، ش ۲۷۲، ۱۳۲۳/۲/۷: ۱) این وضعیت درباره سهمیه قند و شکر و چای هم صادق بود. مثلاً درباره چای، مقدار چای موجود را بیشتر و میزان جمعیت ایران را کمتر از واقعیت گزارش داده بودند و کمیته خاورمیانه نیز با توجه به همین آمارهای اشتباه، از تخصیص چای برای ایران در سال ۱۹۴۵ عذر خواسته بود (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۶۱؛ اطلاعات، ش ۵۷۰۲، ۱۳۲۳/۱۲/۱۲: ۱ و ۴). بنابراین، ملاحظه می‌شود که تصمیمات و اقدامات اشتباه میلسپو و هیئت همراهش در موارد متعددی باعث وارد آمدن ضرر و زیان به جامعه ایران و بروز مشکلاتی برای پیشبرد برنامه‌های هیئت می‌شد.

اداره پخش، اداره جیره‌بندی، اداره خواربار و غیره از جمله این اداره‌ها بود. یکی از دلایل چنین تغییر و تحولات سریع و ناگهانی از طرف میلسپو، فقدان آگاهی و تجربه و مشورت نکردن او با دیگران بود، اما دلایل دیگر آن، احتمالاً سرپوش گذاشتن بر ناکامی‌ها، طفره رفتن از پذیرش مسئولیت‌ها و امیدوار کردن مردم به بهبود اوضاع در آینده بود.

اشتباه دیگر میلسپو این بود که با ایجاد انحصار در بسیاری از کالاهای اساسی همچون گندم، برنج، چای، نان، قند، شکر، قماش، زغال و غیره، باعث اختلال در بازار و گران شدن بهای اجناس شد. مثلاً روزی که هیزم خرواری ۲۵۰ ریال، زغال چوب ۴۰۰ ریال و زغال سنگ ۳۵۰ ریال بود، این سه کالا را جزء کالاهای انحصاری درآورد که در نتیجه آن هیزم به ۴۵۰ ریال، زغال چوب به ۱۰۰۰ ریال و زغال سنگ به ۵۵۰ ریال ترقی پیدا کرد (اطلاعات، ش ۵۴۹۰، ۱۳۲۳/۳/۲۲: ۱). این وضعیت درباره کالاهای دیگر هم صادق بود، طوری که میلسپو بعد از مدتی مجبور شد انحصار برخی از کالاها مثل چای و زغال را لغو کند.

میلسپو با ایجاد اداره باربری و انحصار حمل و نقل، مقدار و حجم باربری را کاهش داد و قیمت حقیقی را چند برابر بالاتر برد و با این کار سبب بالارفتن هزینه زندگی مردم شد. او در تابستان ۱۳۲۲ که محصولات کشاورزی، به خصوص گندم، بیشتر از نیاز کشور تولید شده بود (ساکما، ۲۹۶/۲۴۰۰۳: ۷۸)، به خانوارهای تهرانی اجازه ورود گندم به شهر را نداد و با این کار باعث رواج قاچاق و بالارفتن قیمت آرد و نان شد. این موضوع که مورد انتقاد قرار گرفته بود و مصدق هم در مجلس به شدت به آن تاخته بود (کی استوان، ۱۳۲۷: ۱-۲۳۴/۲۳۳)، باعث شد در سال بعد، میلسپو تصمیم متفاوتی بگیرد و ورود گندم به

۳-۳. ترجیح منافع شخصی و متفقین بر منافع

ملت و دولت ایران توسط میلسپو

در میان مخالفان و منتقدان میلسپو، دو گروه کمونیست‌ها و ناسیونالیست‌ها و در رأس همه محمد مصدق، علاوه بر انتقاد از عملکرد ناموفق میلسپو، به نیات باطنی او مبنی بر خیرخواهی و خدمت به ملت ایران و اصلاح امور نابسامان اقتصادی شک داشتند و او را عامل متفقین برای پیشبرد برنامه‌ها و مقاصد خود در ایران معرفی می‌کردند. مصدق در یکی از نطق‌های خود در مجلس می‌گوید: «پس از اینکه در دوره ششم تقنینیه رضاشاه برای استقلال شخصی خود با تجدید استخدام دکتر موافقت نمود و دکتر رفت، روزی با مرحوم حسن پیرنیا مشیرالدوله صحبت در میان بود، در جواب سؤال من که چطور شد دکتر میلسپو رفت فرمود در این مملکت هر وقت دولت‌ها دوام داشته‌اند و مورد اطمینان بوده‌اند، دول مجاور نظریات خود را به وسیله آنها اجرا کرده‌اند و هر وقت دولت‌ها متزلزل بوده‌اند، مستشار آورده‌اند... چه خوب تشخیص داده بود آن مرد وطن پرست و امروز نیست که ببیند در شهریور ۱۳۲۰ که رضاشاه رفت، دکتر میلسپو مراجعت کرد» (اطلاعات، ش ۵۶۴۴، ۱۳۲۳/۹/۲۹: ۴).

حزب توده ایران نیز که در ابتدا بنا به سیاست شوروی از میلسپو دفاع کرده بود، در سال ۱۳۲۳ نظری مشابه نظر مصدق داشت. حتی آنها درباره دلیل اعطای مهلت سه‌ماهه به میلسپو معتقد بودند که این مهلت «برای انجام آخرین خوش‌خدمتی به امپریالیسم آمریکا و انگلستان» بوده است (پژوهشگران گروهی جامی، ۱۳۸۱: ۱۸۳).

بررسی اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد تشکیک مصدق و حزب توده درباره حسن نیت میلسپو چندان بیراه نبوده است. میلسپو در ابتدا با

حمایت کامل سفارت انگلیس و آمریکا استخدام شد (بولارد و اسکراین، ۱۳۶۳: ۸۵-۸۶؛ ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۶۴-۱۶۳) و بعداً هم با حمایت آنها و طرفدارانشان در دولت و مجلس توانست به اقدامات خود ادامه دهد و با دریافت اختیارات فوق‌العاده، امور اقتصادی و مالی ایران را کاملاً تحت تسلط خود بگیرد. در زمانی هم که با انتقاد شدید گروه‌های مخالف روبه‌رو شد و لایحه لغو اختیاراتش در مجلس در جریان بود، با حمایت همین طرفداران از جمله سید ضیا و دار و دسته‌اش توانست مهلت سه‌ماهه* از مجلس بگیرد (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۷۳-۱۷۲). زمانی هم که ابتهاج در آمریکا خواست از میلسپو انتقاد کند، والس مری با گفتن این جمله که «اگر دولت ایران تصمیم دارد مستشار از شوروی بیاورد، البته مختار است ولی دیگر از ما توقع کمک نداشته باشد»، حمایت قاطع خود را از میلسپو نشان داد (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۱۲۲/۱). همه این موارد نشان می‌دهد متفقین برای حفظ منافع خود، به صورت همه‌جانبه از میلسپو حمایت می‌کردند. بدون شک میلسپو نیز با تضمین منافع آنها توانسته بود حمایتشان را جلب و حفظ کند. بر طبق اظهارات خود میلسپو در خاطراتش، او با هماهنگی و موافقت کامل سفارت آمریکا، سیاست‌هایش را پیش می‌برد. او در موضوع استعفا، برای تحت فشار قرار دادن مجلس برای تصویب لایحه مالیات بر درآمد، سه بار به موافقت و حمایت دریفوس، سفیر آمریکا در ایران اشاره کرده و در نهایت نوشته است: «همبستگی اعضای هیئت و پشتیبانی سفارت کافی بود که مجلس را به اقدام وادارد» (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۵۳). میلسپو در نامه‌ها و گزارش‌های خود بارها از کمک‌های متفقین

* - میلسپو در کتابش می‌نویسد که ما چهارماه فرصت خواسته بودیم، اما نخست‌وزیر در گزارش خود به مجلس، اشتهاً سه‌ماه گزارش داده بود و همین سه‌ماه تصویب شد (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۷۳).

تعریف و تمجید کرده است تا کسانی را که مسبب رنج و بدبختی ایرانیان شده بودند، ناجی ملت نشان دهد. او در یکی از گزارش‌های خود به نخست‌وزیر می‌نویسد: «از اینکه انجام کارها به تأخیر افتاده یا اموری ناقص عمل شده است نباید سرزنش را کاملاً متوجه میسیون مالی آمریکا نمود، بلکه باید در مقابل از مقامات دیگر مخصوصاً متفقین در قبال کمک‌های مهمی که در راه آرامش کشور ایران و رفاه مردم مبذول داشته‌اند، تشکر کرد» (ساکما، ۲۹۰/۱۱۶۰: ۲۲). بنابراین، می‌توان گفت میلسپو در درجه نخست، حامی و تأمین‌کننده منافع متفقین بود و این کار را هم به نفع احسن انجام داد و منافع ایران و اصلاح امور مالی این کشور در درجه دوم اهمیت قرار داشت و به همین سبب تلاش چندانی برای بهبود آن صورت نگرفت (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۵۰۱).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر دلایل موفق‌نشدن میلسپو در اصلاح امور مالی ایران در زمان اشغال کشور در جنگ جهانی دوم بررسی شد و دیدگاه دو گروه موافقان و مخالفان میلسپو درباره دلایل ناکامی او مطرح و صحت‌سنجی شد. بررسی اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد در دیدگاه هر دو گروه، رگه‌هایی از حقیقت وجود دارد و عوامل مختلفی همچون: دخالت و کارشکنی مخالفان، اهمال دولت و مجلس در تصویب لوایح مدنظر میلسپو، ساختار اداری و مالی فسادآمیز ایران، کارشکنی و مانع‌تراشی شوروی در انتقال غلات شمال ایران به مناطق مرکزی و فقدان بودجه و امکانات کافی در شرایط بحرانی و نابسامان کشور در جنگ جهانی دوم از یک طرف و نداشتن تجربه و شایستگی میلسپو برای شغل مهمی همچون ریاست دارایی یک کشور، نداشتن شناخت و

آگاهی کامل او از ساختار سیاسی و اداری ایران، اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات نامناسب و گاه متضاد، تکبر و خودرأیی میلسپو در بسیاری از موارد و ترجیح منافع شخصی و آمریکا بر منافع ملت و دولت ایران از طرف دیگر، در موفق‌نشدن میلسپو نقش داشته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت اگر میلسپو در یک شرایط عادی به استخدام ایران در می‌آمد و برنامه‌هایش از سوی یک دولت مقتدری حمایت و اجرا می‌شد، چه‌بسا اصلاحاتی در ساختار مالی و اداری ایران انجام می‌داد، همان‌طور که در مأموریت اولش، با حمایت رضاشاه چنین کاری را انجام داده بود. اما باید توجه داشت که میلسپو و هیئت همراهش تجربه و شایستگی لازم برای انجام اصلاحات اساسی و ساختاری در امور مالی ایران را نداشتند و چه‌بسا انگیزه و مأموریت این کار را نیز نداشتند و گرنه، در همان شرایط بحرانی موجود نیز می‌توانستند با آن اختیارات گسترده و حمایت متفقین و گروه‌های داخلی اصلاحاتی را انجام دهند، اما این کار را نکردند و همین موضوع، ادعای مخالفان و منتقدانی را تقویت می‌کند که معتقد بودند میلسپو خادم و خیرخواه ملت ایران نبود، بلکه عامل و مجری سیاست‌های متفقین و حافظ منافع آنها بود.

منابع و مأخذ

اسناد

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۴۰/۱۶۴۹۰: ص ۲.
۲. —————، ۲۴۰/۸۲۸۷۵: ۴.
۳. —————، ۲۴۰/۸۸۵۴۰: ۳.
۴. —————، ۲۶۰/۲۱۷: ۵.
۵. —————، ۲۹۶/۲۴۰۰۳: ۷۸.
۶. —————، ۲۴۰/۱۷۱۷۳: ۶.

۷. ————: ۲۴۰/۱۲۶۱۵: ۱۷-۱۵. نیلوفر.
۸. ————: ۳۱۰/۱۴۹۰: ۱. ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، چاپ دوم، تهران: پازنگ.
۹. ————: ۲۴۰/۲۵۹۲۰: ۴ و ۷-۹. ۱۰. ————: ۲۹۰/۱۱۶۰: ۲۲-۲۰ و ۳۱-۳۰.
- کتاب‌ها**
۱۱. ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱)، *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*، جلد ۱، تهران: انتشارات علمی.
۱۲. اسکرین، سرکلارمونت (۱۳۶۳)، *جنگ جهانی در ایران*، ترجمه غلامحسین صالحیار، بی‌جا: نشر سلسله.
۱۳. *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم*، (۱۳۸۹)، به کوشش علیرضا روحانی و ابوالفضل ایزدی‌زاده، جلد ۳، تهران: خانه کتاب.
۱۴. امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳)، *خاطرات نخستین سپهبد ایران، احمد امیراحمدی*، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
۱۵. *ایران در اشغال متفقین: مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۲۴-۱۳۱۸*، (۱۳۷۱)، به کوشش صفاءالدین تبرائیان، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۶. *ایران در بحران*، (مهرماه ۱۳۲۰ تا شهریورماه ۱۳۲۶) بر پایه خلاصه اخبار شبانه رادیوهای خارجی و گزارش‌های روزانه و خلاصه روزنامه‌ها، (۱۳۷۹)، به کوشش کیانوش کیانی هفت لنگ، پرویز بدیعی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
۱۷. بولارد، سر ریدر و اسکرین، سر کلارمونت (۱۳۶۳)، *شترها باید بروند!*، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ دوم، تهران: نشر نو.
۱۸. پژوهشگران گروهی جامی (۱۳۸۱)، *گذشته، چراغ راه آینده است*، چاپ سوم، تهران: انتشارات نیلوفر.
۱۹. ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، *ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، چاپ دوم، تهران: پازنگ.
۲۰. رابطی قشلاقی، غلامرضا (۱۳۹۸)، *برگی از تاریخ معاصر ایران (مأموریت دوم آرتور میلسپو در ایران و پیامدهای آن)*، چاپ دوم، تهران: سنجش و دانش.
۲۱. عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، *بهران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: نشر البرز.
۲۲. فرخ، معصم السلطنه (بی‌تا)، *خاطرات سیاسی فرخ (معصم السلطنه): تاریخ پنجاه ساله معاصر ایران*، بی‌جا: جاویدان.
۲۳. کی استوان، حسین (۱۳۲۷)، *سیاست موازنه منفی*، ج ۲، تهران: تابان.
۲۴. *گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران*، (۱۳۸۱)، به کوشش بهروز قطبی، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
۲۵. لنزوسکی، جورج (۲۵۳۶)، *رقابت روسیه و غرب در ایران*، ترجمه اسماعیل رائین، چاپ دوم، تهران: انتشارات جاویدان.
۲۶. *مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد*، (۱۳۸۲)، به کوشش زینب احیائی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۷. میلسپو، آرتور (۱۳۷۰)، *آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم)*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر البرز.
۲۸. هدایت، مهدی قلی‌خان (مخبرالسلطنه) (۱۳۴۶)، *خاطرات و خطرات*، چاپ دوم، تهران: کتاب‌فروشی زوار.

مقالات

۲۹. خلیلی، محسن (۱۳۸۵)، «نگاهی انتقادی به ایران‌شناسی آرتور میلسپو»، *علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)*، سال شانزدهم، شماره ۶۰، صص ۱۰۹-۱۳۰.
۳۰. سلیمانی، کریم و جمیله عزیزخواه (۱۳۹۱)، «اقدامات میلسپو برای حل بحران نان ۱۳۲۳-۱۳۲۱»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال سوم، شماره دوازدهم، صص ۸۳-۱۰۳.
۳۱. سلیمانی دهکردی، کریم و جمیله عزیزخواه (۱۳۹۲)، «مخالفت‌ها علیه میلسپو در ایران (۱۳۲۳-۱۳۲۱ ش/ ۱۹۴۲-۱۹۴۴م)»، *پژوهش‌های تاریخی*، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، شماره سوم (پیاپی ۱۹)، صص ۹۷-۱۱۰.
۳۲. عزیزخواه، جمیله (۱۳۹۵)، «اصلاحات میلسپو در ناوگان حمل‌ونقل ایران (۱۳۲۱-۱۳۲۳)»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال ششم، شماره دوازدهم، صص ۱۹۵-۲۱۹.
۴۱. _____ ش ۵۳۰۳، ۱۳۲۲/۸/۱: ۱.
۴۲. _____ ش ۵۳۱۷، ۱۳۲۲/۸/۱۸: ۱.
۴۳. _____ ش ۵۴۴۶، ۱۳۲۳/۳/۲: ۱.
۴۴. _____ ش ۵۴۷۳، ۱۳۲۳/۳/۲: ۴.
۴۵. _____ ش ۵۴۷۴، ۱۳۲۳/۳/۳: ۴.
۴۶. _____ ش ۵۴۷۵، ۱۳۲۳/۳/۴: ۱.
۴۷. _____ ش ۵۴۷۸، ۱۳۲۳/۳/۸: ۱.
۴۸. _____ ش ۵۴۸۰، ۱۳۲۳/۳/۱۰: ۱.
۴۹. _____ ش ۵۴۹۰، ۱۳۲۳/۳/۲۲: ۱.
۵۰. _____ ش ۵۴۹۸، ۱۳۲۳/۳/۳۱: ۱.
۵۱. _____ ش ۵۵۱۱، ۱۳۲۳/۴/۱۷: ۱ و ۴.
۵۲. _____ ش ۵۵۸۵، ۱۳۲۳/۷/۱۷: ۱.
۵۳. _____ ش ۵۶۴۴، ۱۳۲۳/۹/۲۹: ۴.
۵۴. _____ ش ۵۶۴۷، ۱۳۲۳/۱۰/۲: ۱.
۵۵. _____ ش ۵۷۰۲، ۱۳۲۳/۱۲/۱۲: ۱ و ۴.
۵۶. رهبر، ش ۲۷۲، ۱۳۲۳/۲/۷: ۱.
۵۷. _____ ش ۲۶۴، ۱۳۲۳/۱/۲۹: ۱.

لوح فشرده

۳۳. مشروح مذاکرات مجالس شورای ملی و اسلامی، نسخه دوم، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، دوره ۱۳، جلسه ۱۰۸.

۳۴. _____ دوره ۱۳، جلسه ۱۵۳.
۳۵. _____ دوره ۱۳، جلسه ۲۰۹.
۳۶. _____ دوره ۱۳، جلسه ۲۱۶.
۳۷. _____ دوره ۱۳، جلسه ۲۱۸.
۳۸. _____ دوره ۱۴، جلسه ۱۷.
۳۹. _____ دوره ۱۴، جلسه ۶۱.

روزنامه‌ها

۴۰. اطلاعات، ش ۵۰۵۱، ۱۳۲۱/۸/۲۱: ۱.

